

## سیاست گذاری اجتماعی در حوزه کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی و تاثیر آن بر امنیت اجتماعی

از صفحه ۶۷ تا ۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۳۰

عزت اله سام آرام،<sup>۱</sup> سید احمد حسینی حاجی بکنده،<sup>۲</sup> حسن موسوی چلک<sup>۳</sup>

### چکیده

مقدمه: یکی از وظایف دولت ها در هر جامعه ای ایجاد بستر لازم برای تحقق امنیت اجتماعی می باشد که مولفه های مختلفی در ایجاد آن تاثیرگذار هستند. از جمله مولفه هایی که می تواند در زمینه تحقق امنیت اجتماعی تاثیرگذار باشد، کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی هستند. به همین منظور ضروری است تا دولت بتواند با اتخاذ سیاست های مناسب در این حوزه برای ایجاد امنیت اقدام اساسی انجام دهد. تاملی بر شرایط فعلی کشور نشان می دهد که در حوزه آسیب های اجتماعی شاهد روند افزایشی آمار آسیب های اجتماعی، تنوع آنها و کاهش سن افراد آسیب دیده اجتماعی هستیم. نداشتن سیاست های مشخص در این حوزه موجب ضعف هماهنگی بین بخشی، مدیریت نامناسب منابع، برخوردهای سلیقه ای، و... شده است. تحقیق حاضر با هدف تدوین سیاست های پیشنهادی در حوزه کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی در ایران و تاثیر آن بر امنیت اجتماعی انجام شده است که برای این منظور، با استفاده از نظرات نخبگان و صاحب نظران کشور، سیاست های کلان مناسب برای کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی ارائه شده است.

روش: تحقیق از نوع تحقیقات کیفی و کاربردی - توسعه ای بوده که به صورت دلفی انجام شده است. دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است و یا رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه ای با حفظ گمنامی پاسخ دهندگان و بازخورد نظرات به اعضای پانل است؛ درخواست قضاوت های حرفه ای از متخصصین همگن و مستقل در مورد یک موضوع ویژه با استفاده از پرسشنامه ها است که تا زمان دستیابی به اجماع نظرات مداوم تکرار می شود. در این تحقیق تعداد بیست نفر از نخبگان و صاحب نظران انتخاب

۱. استاد دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده مسئول. e\_samaram@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی sahosseini1943@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری پژوهش محور مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی hmch47@Yahoo.com



شدند. همچنین از مطالعه اسناد و منابع هم استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق در چند مرحله به دست آمده است. در مرحله پیش راند که به صورت یک سوال باز بود ۵۲ سیاست توسط نخبگان پیشنهاد شد. پس از تحلیل اطلاعات در مرحله اول ۴۸ سیاست در اختیار صاحب نظران قرار گرفت تا نظرات خود را اعلام کنند. پس از تحلیل اطلاعات در مرحله دوم ۳۳ سیاست تعیین شدند. در مرحله سوم نیز تعداد این سیاست‌ها که روی آنها اجماع صورت گرفته بود به ۳۱ سیاست پیشنهادی رسید.

بحث: تاملی بر یافته‌های تحقیق گویای این نکته است که علیرغم اقدامات انجام شده در کشور در حوزه سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی نیاز به داشتن سیاست‌های اجتماعی مشخص در سطح کلان در جامعه بیش از پیش ضروری است (به جز در حوزه مواد مخدر که سیاست‌های کلی نظام سال ۱۳۸۵ ابلاغ شده است) تا با توجه به این سیاست‌های اجتماعی بگونه‌ای برنامه‌ریزی شود تا آسیب‌های اجتماعی مخل ایجاد امنیت اجتماعی نشوند. نظر به اهمیت این موضوع و لزوم دست‌یابی به سیاست‌های اجتماعی کشور در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ضرورت دارد تا سیاست‌های اجتماعی ایران در زمینه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با هدف تأمین امنیت اجتماعی تدوین گردد تا بتوان از این طریق نقشه راه برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ترسیم شود، از سیاست‌گذاری‌های اجتماعی سلیقه‌ای جلوگیری شود، از همه ظرفیت‌ها در قوای مختلف کشور و سازمان‌های غیر دولتی استفاده شود، هماهنگی‌های بین بخشی و فرابخشی در حوزه آسیب‌های اجتماعی که فقدان یا ضعف آن یکی از چالش‌های جدی کشور محسوب می‌شود، بهتر انجام شود، مدیریت بهینه منابع صورت گیرد، اولویت‌های سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در این حوزه تعیین شود، تقسیم کار بهتری بین دستگاه‌های مرتبط در سطوح مختلف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با هدف ایجاد زمینه‌های لازم برای تحقق امنیت اجتماعی صورت گیرد.

**کلید واژه‌ها:** امنیت اجتماعی، سیاست‌گذاری اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، مددکاری اجتماعی، برنامه توسعه.



۶۹

جوامع در طول حیات خود با مسائل و مشکلات مختلفی مواجه شده اند که می تواند در حوزه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و یا اجتماعی باشند. در حوزه اجتماعی نیز این مشکلات می تواند در عرصه های مختلفی ایجاد شود که از جمله آنها آسیب های اجتماعی می باشند که به تناسب انواع آن تمهیدات متعددی جهت کنترل و کاهش آنها اتخاذ کرده اند. جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نخواهد بود. به همین دلیل علیرغم همه تمهیدات اتخاذ شده و اقدامات انجام شده در عرصه های سیاست گذاری و اجرایی امروز شرایطی از قبیل: تنوع آسیب های اجتماعی، کاهش سن افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی، رشد آمار آسیب های اجتماعی، گسترش آسیب های اجتماعی ناشی از فضاهای مجازی و تکنولوژی، جلوتر بودن آسیب های اجتماعی از برنامه ها، فراگیر نبودن برنامه های اجرایی در کشور، غالب بودن رویکردهای سیاسی - امنیتی نسبت به آسیب های اجتماعی، عدم توجه کافی به مسایل اجتماعی در کنار مسایل اقتصادی و سیاسی را در کشور شاهد هستیم که ایجاب می کند به این موضوع توجه بیشتر شود. همه این شرایط و شرایط دیگر ایجاب می کند در زمینه کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی برنامه ریزان و سیاستگذاران کشور به این مسئله توجه و اهتمام بیشتر داشته باشند. البته در بررسی این حوزه نگاه تک بعدی و آن هم فقط به جامعه نمی تواند کاملاً صحیح قلمداد شود و لازم است نگاه همه جانبه در این حوزه مد نظر قرار گیرد بنابراین هم عوامل فردی و خانوادگی و هم اجتماعی در کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی و تحقق امنیت اجتماعی تاثیر گذار هستند.

تاملی بر وضعیت کشور در این حوزه نشان می دهد که وضعیت جامعه ایران در حوزه اجتماعی در حالت بی تعادلی قرار دارد که می تواند ضریب امنیت اجتماعی را کاهش دهد و یا تحت تاثیر قرار دهد. گستردگی، رواج و تعدد آسیب های اجتماعی باعث شده تا علیرغم این که دستگاه های مسئول تمام تلاش خود را انجام می دهند، اما روز به روز بر تعداد و وسعت و پیچیدگی و تراکم آسیب های اجتماعی افزوده شود. ادامه وضعیت فعلی، وضعیت نگران کننده ای را برای نظام در زمینه تحقق امنیت اجتماعی ایجاد کرده که مستعد ایجاد بحران ها و آشوب های اجتماعی خواهد بود. بنابراین، به نظر می رسد که حل این وضعیت اجتماعی با

تدابیر و سیاست‌گذاری‌های موجود و اقدامات انجام شده امکان‌پذیر نخواهد بود و باید تدابیر و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مناسب‌تر و موثرتری صورت گیرد تا ضمن افزایش توان راهبری، هدایت و کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در کشور، از تمام ظرفیت‌ها برای تحقق امنیت اجتماعی استفاده گردد و از برخورد‌ها و سیاست‌گذاری‌های سلیقه‌ای و نگاه بخشی‌جولوگیری شود، ارتقاء شاخص‌های سرمایه اجتماعی باید رضایت عمومی و مشارکت‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد تا بتوان با توجه به رویکرد فرابخشی و چند نهادی برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء سلامت اجتماعی و در نهایت افزایش امنیت اجتماعی در جامعه گام‌هایی موثرتر برداشت. با گسترش آسیب‌های اجتماعی در کشور هم فرد، هم خانواده و هم جامعه از آن تاثیر خواهند پذیرفت و هزینه‌های این گسترش را در قالب کاهش یا تهدید امنیت اجتماعی خواهند پرداخت. تاملی بر برخی از آمارهای رسمی ارائه شده توسط مراجع ذی‌ربط کشور در حوزه‌های آسیب‌های اجتماعی گویای این موضوع هستند که آسیب‌های اجتماعی تهدیدی جدی برای امنیت همه جانبه کشور محسوب می‌شوند. چرا که گسترش آسیب‌های اجتماعی نیروی انسانی جامعه را که مهمترین مولفه در توسعه هر کشور محسوب می‌شود را نابود خواهد کرد و در این شرایط شاهد کاهش مولفه مهم دیگر برای توسعه هستیم که از آن به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. بدون شک جامعه‌ای که در آن نیروی انسانی سالم و کارآمد و قانون‌مدار کم باشد و اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی هم پایین باشد، سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی هم مناسب نخواهد بود و می‌توان گفت که تحت تاثیر این شرایط، کیفیت زندگی مردم نیز مناسب نخواهد بود و در نتیجه مردم در آن جامعه «بهرتر زیستن» را تجربه نخواهند کرد.

غفلت دیرینه در توجه به این موضوع با رویکرد اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در کشور موجب شده است تا امروزه ضرورت توجه به این حوزه بیش از پیش احساس شود و این موضوع پذیرفته شود که می‌بایست زمینه‌ها و رویکردهای اجتماعی برای افزایش ضریب امنیت اجتماعی تقویت شود. این تحقیق در پی آن است تا به این سوال اساسی پاسخ داده شود که چه سیاست‌های اجتماعی برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در کشور مناسب هستند؟ سیاست‌هایی که توجه به آنها در برنامه‌ریزی‌های اجرایی بتواند در مرحله اول کنترل روند رشد



آسیب های اجتماعی را به دنبال داشته باشد و با کاهش آنها در مرحله بعد در تحقق امنیت اجتماعی پایدار در جامعه بیش از پیش تاثیرگذار باشد.

## مروری بر ادبیات موضوع

مفهوم آسیب اجتماعی برگرفته از ادبیات پزشکی بوده و در یک نگاه اجمالی منظور از آسیب، حالتی در حیات پدیده است که روند عادی یا سالم آن دچار بیماری گردد. بنابراین آسیب اجتماعی شیوع یک بیماری در گروه های مختلف اجتماعی، سازمان ها، روابط اجتماعی و به طور کلی در ارکان مختلف اجتماع است که روند معمول وفاق و سلامت جامعه را بر هم زند. وقتی آسیب های اجتماعی با بار کیفری و قانونی تعریف می شوند حکم جرم پیدا می کنند.

هرگاه در یک نظام اجتماعی، رفتاری به طور مشخص با هنجارهای اجتماعی تعارض پیدا کند، که موجب کاهش یا از دست دادن کارایی و عملکرد مثبت فرد، خانواده یا گروه های اجتماعی شود، این پدیده آسیب اجتماعی شناخته می شود که می تواند بر امنیت اجتماعی تاثیر گذار باشد. هر جا جمعی از انسان ها گرد هم آمده اند، برای رفع آسان تر و بهتر نیازهای خود به امنیت، آسایش و سلامت و هر نوع نیاز دیگری، هنجارهایی ساخته اند و همه را به تبعیت از آن ها فراخوانده اند تا بتوانند از این طریق وظیفه دولت ها در ایجاد امنیت اجتماعی برای آحاد جامعه را فراهم کنند. پرداختن به مباحث نظری موضوع، به ویژه زمانی ضرورت بیشتری پیدا می کند که حجم آسیب های اجتماعی از سقف تحمل جامعه فراتر رفته و نگرانی هایی ایجاد کرده باشد. کج رفتاری شامل انواع بسیاری از رفتارهای نابهنجار است که اشکالی از آن در هر جامعه ای روی می دهد. گفته شده که رفتار نرمال یا بهنجار، هر نوع رفتاری است که از هنجارها یا مقررات گروهی که رفتار مزبور در آن روی می دهد تبعیت کند (جونز و همکاران، ۱۹۹۵: ۲۷۰). در مقابل، کج رفتاری هر نوع رفتاری است که با هنجارها یا مقررات گروه، همنوایی نداشته باشد.

بدون شک خروج از شرایطی که منجر به شیوع آسیب های اجتماعی شود نیازمند اتخاذ سیاست های مناسب و برنامه ریزی های کارآمد و اثربخش هستند به همین دلیل موضوع سیاست گذاری اجتماعی در این حوزه مهم قلمداد می شود. سیاست گذاری اجتماعی<sup>۱</sup> هم به مجموعه اقدامات مربوط به مقابله با مشکلات اجتماعی

1. Social policy

و هم به عنوان رشته‌ای دانشگاهی به مطالعه این اقدامات و بافت<sup>۱</sup> اجتماعی که در آن شکل می‌گیرند دلالت دارد.

ریچارد تیموس، از بنیان رشته سیاست اجتماعی، این حوزه را شامل اصول حاکم بر فعالیتهای معطوف به اهداف مشخص می‌داند و عنوان می‌کند که سیاست‌گذاری "کنش مربوط به ابزارها و اهداف را مشخص می‌کند و بنابراین بر تغییر دلالت می‌کند" (غفاری و حبیب پور کتابی، ۱۳۹۳). ایسینگ<sup>۲</sup> سیاست‌گذاری اجتماعی را دانشی مبتنی بر عمل و یک حوزه مستقل می‌داند که به طور نظام مند و تحلیلی به بررسی آن دسته از اعمال سیاسی می‌پردازد که معطوف به وضعیت زندگی (موقعیت اقتصادی و اجتماعی گروه‌های ضعیف و آسیب پذیر جامعه، دستیابی به هدف‌های اجتماعی مثل امنیت اجتماعی، صلح اجتماعی و عدالت اجتماعی) و مقابله با خطرهایی است که حیات انسانی را تهدید می‌کند. او به کاربستن شناخت و آگاهی درباره ضرورت، مقدمات، امکانات، هزینه‌ها و آثار و مسائل اقدامات سیاست‌گذاری اجتماعی را از شروط اولیه این حوزه می‌داند و بر این باور است که سیاست‌گذاری اجتماعی باید در «هدف‌ها، اصول به کار رفته و ابزارهای مورد استفاده براساس ارزش‌های بنیادی، هدف‌ها و اصول اساسی نظام اقتصادی و اجتماعی جهت‌گیری شده باشد (ایسینگ، ۱۳۷۸؛ نقل از امیدی، ۱۳۹۳). در یک تعریف دیگر، سیاست‌گذاری اجتماعی شامل مجموعه‌ای از ارزشها، قواعد و روش‌های عقلایی است که به منظور فراهم‌سازی امکانات و فرصت‌های تازه در حوزه‌های چهارگانه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهت ارتقاء بهزیستی اجتماعی به کارگرفته می‌شود (غفاری و عزیزی مهر، ۱۳۹۱).

سیاست‌گذاری اگرچه برای مردم و مبتنی بر پژوهش‌ها انجام می‌پذیرد اما بیشتر حضور و مشارکت عمومی در روند مشخص کردن سرفصل‌های سیاست‌گذاری است و تدوین سیاست‌ها، محصول یک فرایند نخبه‌گرایانه است. براین اساس، افراد اندکی در تدوین و تنظیم ساختار سیاست‌ها دخیل هستند. همچنین انتظار می‌رود که حجم بیشتر کار در خارج از انظار عمومی صورت گیرد. نگارش سیاست‌ها طی مراحل بروکراتیک اداری، در اتاق‌های کمیته‌های قانون‌گذاری، در جلسات هیئت‌های ذی صلاح، حاصل می‌گردد. به عبارت دیگر معمولاً ساختارسازی سیاسی در حوزه

1. contex

2. lssing



صلاحیت متخصصان است (فیشر و همکاران، ۲۰۰۷: ۷۹) آدامز (۲۰۰۲) در نقدی بیان می کند که گاهی تصور می شود سیاست یک راهبرد نظام مند و منسجم است که منجر به برنامه های اقدام مستقیم و عملیاتی می شود. این تصور اگرچه ممکن است جذاب باشد اما درست نیست. به عقیده وی سیاست گذاری یک نگاه برخاسته از عقلگرایی و منطق به فرایند برنامه ریزی و تدوین سیاستهاست. وی بر وجه اجتماعی سیاست گذاری تأکید دارد و آن را مسیری پیچیده، پرتلاطم و ساخته شده در جویی از تنشهای بین نیروهای رقیب معرفی می کند.

سیاست های اجتماعی یکی از ابزارهای اساسی سیاست گذاری برای بررسی مسائل اجتماعی جدید و به کارگیری راهبردهای توسعه ای است. جنگ جهانی دوم شرایط بسیار مناسبی برای دولتها ایجاد کرد تا دامنه و عمق سیاستهای اجتماعی شان را گسترش دهند. چون مردمی که تحت تأثیر جنگ قرار گرفته بودند آمادگی مداخله دولتها، افزایش درآمد دولتها و روح تعاون و انسجام اجتماعی را داشتند. در عین حال، تأکیدات ملی و بین المللی طی و بعد از جنگ دوم اهمیت تأمین اجتماعی را برای همه به عنوان یک هدف برای سیاستهای اقتصادی روشن ساخت. بر این اساس، تأمین اجتماعی به یک مفهوم مثبت و خلاقانه تبدیل شد با این وجود، اهمیت سیاست های اجتماعی به عنوان یک جزء اساسی در توسعه تاریخی کشورهای پیشرفته معمولاً نادیده گرفته شد. سیاست گذاری اجتماعی در عرصه عملی دامنه گسترده ای از اقدامات جبرانی و توسعه ای را شامل می شود. برخی نظریه پردازان، سیاست گذاری اجتماعی را ابزاری سیاستی برای جبران پیامدهای منفی ناشی از سیاست های اقتصادی می دانند. به عنوان مثال، کهیل<sup>۱</sup> (۱۳۸۷) سیاست گذاری اجتماعی را ابزاری می داند که دولت ها از راه آن کمترین سطح حمایت از مردم را فراهم می کنند و شکل اصلی سیاست های دولتی در دنیای توسعه یافته پس از جنگ جهانی دوم بوده است. حفاظت شهروندان در برابر مخاطره ها و تأمین برابری اجتماعی ارتقاء برابری فرصت ها برای افراد، برابری عاملان و گروه های ذینفع و انسجام اجتماعی برای منافع همه جانبه جامعه (دنی<sup>۲</sup> و هان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸)، تنظیم قوانین و ایجاد سازمان ها و ساختارهایی برای حفظ روابط

1. cahill

2. Dani

3. Hann



حمایتی و متقابل و انسجام اجتماعی (جوردن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) از دیگر اهدافی است که برای سیاست گذاری اجتماعی تعیین شده است.

به طور کلی سیاست گذاری اجتماعی مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، نهادها و اقدامات را شامل می‌شود که تغییر نظم اجتماعی از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را مدنظر دارند و بر سه هدف عمده متمرکزند؛ که عبارتند از: کاهش نابرابری‌ها، افزایش سطح رفاه و کیفیت زندگی و بهبود مؤلفه‌های شهروندی. این اهداف هم متأثر از نوع نسبت دولت و جامعه است و هم بر این نسبت تأثیر می‌گذارد. تحقق این اهداف برعهده دولت است و با توجه به بافت و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع مختلف، دولت‌ها زمینه را برای مشارکت مجموعه‌ای از کنشگران اعم از بخش خصوصی، خانواده، نهادهای مدنی و نهادهای بین‌المللی در سیاست گذاری فراهم می‌کنند (امیدی، ۱۳۹۳).

سعیدی و صادقی جقه (۱۳۸۹: ۳) نیز هدف سیاست گذاری اجتماعی را بهبود رفاه انسانی و برآورد کردن نیازهای انسانی در باب آموزش، بهداشت، مسکن و تأمین اجتماعی می‌دانند. به اعتقاد وی سیاست گذاری اجتماعی در مراحل مقدماتی، تصمیم‌گیری و قانون گذاری به صورت واقع‌گرایانه به اجرا در می‌آید.

سیاست گذاری اجتماعی به نظر فیتزپتریک<sup>۲</sup> (۱۳۸۱) در حقیقت، تأکیدی آگاهانه بر تحول اجتماعی دارد. در راستای نقش سیاست گذاری اجتماعی در تحول اجتماعی، واکر<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) بر این باور است که سیاست گذاری اجتماعی بر استفاده از گروه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر توزیع منابع، جایگاه و قدرت بین افراد و گروه‌ها در جامعه دلالت دارد. گوف<sup>۴</sup> (۲۰۰۴: نقل از سعیدی، ۱۳۹۰) نیز سیاست گذاری اجتماعی را کنش عامدانه‌ای در حوزه عمومی می‌داند که در راستای هدف‌های رفاه اجتماعی جهت‌دهی شده است و عدالت، نیازهای انسانی، قابلیت‌ها، پیشرفت، مشارکت فعال، انصاف و... را مدنظر دارد. سیاست گذاری اجتماعی دامنه وسیعی از ابزارها را در بخش‌های مختلف به کار می‌گیرد و براساس دامنه وسیعی از کنشگران درون حوزه عمومی صورت بندی و اجرا می‌شود. بدین معنا که زمینه سیاست گذاری اجتماعی محدود به دولت نیست، بلکه می‌تواند به

1. Jordan

2. Fitzpatrick

3. Walker

4. Gough





سطوح پایین منطقه‌ای و محلی و انجمن‌هایی که به عنوان حوزه عمومی شناخته می‌شوند و همچنین به سطوح بالای کنشگران فراملی و جهانی بسط یابد. عوامل فرهنگی به خودی خود ممکن است در توسعه سیاست‌های اجتماعی یک کشور تأثیر مستقیم نداشته باشند اما درک تأثیر فرهنگ بر زمینه‌های بحث در حوزه سیاست‌های اجتماعی چندان دشوار نیست منظور از فرهنگ ایده‌ها، ایدئولوژیها، ارزشها، مفاهیم و تئوری‌ها، طبقه بندیها، اعتقادات، نگرشها، عقاید، هنجارها، طرحواره‌های شناختی و پارادایم‌ها، چارچوب‌ها، گفتمان‌ها، گفته‌ها، نوشته‌ها، زبان و همه چیزهای دیگری که حامل معنا هستند می‌شود. درحقیقت باید پذیرفت که فهم کنشگران از جهان پیرامونشان بر توسعه سیاست‌گذاری اجتماعی نقش اساسی دارد. همان‌گونه که لیپست (۱۹۹۰) عنوان می‌کند تفاوت در ارزش‌های ملی، تفاوت‌های اساسی سیاست‌گذاری اجتماعی و دولت رفاه را تبیین می‌کند. جهان بینی ملت‌ها با هم متفاوت است و در نتیجه تسلط ارزش‌هایی مثل فردگرایی و خوداتکایی می‌تواند سیاست‌گذاری اجتماعی را محدود کند. ضمناً ایده‌ها و فرایندهای استدلالی می‌تواند بر توسعه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی اثر بگذارد (وصالی و امیدی، ۱۳۹۳) نباید فراموش شود که مشکلات اجتماعی یک بعدی نیستند و ماهیتی چندبعدی دارند. بر این اساس، امروزه یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه را توسعه اجتماعی عنوان می‌کنند (واعظ مهدوی و همکاران، ۲۰۱۳) و یکی از مهمترین مقوله‌های این نوع توسعه، سلامت اجتماعی است (سفیری و شایسته، ۱۳۹۴).

گرچه موضوع سیاست‌گذاری اجتماعی در سال‌های اول قرن نوزدهم به دلیل مشکلات متعددی که به وجود آمد اهمیت یافت و طبق نظر «کن بلیک مور» در پایان این قرن مشخص شد که دولت‌ها باید نقش مهمتری در حل مشکلات اجتماعی ایفاکنند اما ریشه اولیه آن را باید در کنش عملی موجود در رشته مددکاری اجتماعی و انباشت اطلاعاتی که در این حوزه وجود داشت، مشاهده کرد. به ویژه در سال ۱۹۵۰ میلادی که ریچارد تیموس در مدرسه اقتصادی لندن تلاش وافرایی برای تبدیل آن به عنوان یک رشته دانشگاهی به عمل آورد. الکااک و همکارانش سیاست‌گذاری را بدیلی برای مدیریت اجتماعی می‌دانند. ایسینگ نیز سیاست‌گذاری اجتماعی را علمی عمل‌گرا می‌داند که به بررسی آن دسته از

عمل‌های سیاسی می‌پردازد که هدف آنها معطوف به وضعیت زندگی افراد است. یعنی موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌های ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه را در نظر دارد و در پی دستیابی به هدف‌های اجتماعی نظیر امنیت اجتماعی، صلح اجتماعی و مقابله با خطرهای است که حیات انسانی را تهدید می‌کند. هارتلی دین نیز در خصوص اهمیت سیاست‌گذاری اجتماعی معتقد است که این توجه به خاطر هزینه‌های اجتماعی است که غفلت از آن بر جامعه تحمیل خواهد کرد. سیاست‌گذاری اجتماعی هم به مجموعه اقدامات مربوط به مقابله با مشکلات اجتماعی و هم به عنوان رشته‌ای دانشگاهی به مطالعه این اقدامات و بافت اجتماعی که در آن شکل می‌گیرند دلالت دارد. به عنوان رشته‌ای دانشگاهی آکاک و همکارانش سیاست‌گذاری اجتماعی را بدیلی برای مدیریت اجتماعی می‌دانند. از نظر آن‌ها، «مدیریت اجتماعی بیشتر به فرایندهای توسعه سیاست‌گذاری و دریافت خدمات تمرکز دارد و سیاست‌گذاری اجتماعی علاوه بر این موارد به زمینه‌های اجتماعی و نظری که فرایندها و سیاست‌ها در آن شکل می‌گیرند نیز توجه دارد» (آکاک و همکاران، ۲۰۰۲: ۲۲۶). ایسینگ سیاست‌گذاری اجتماعی را علمی عمل‌گرا می‌داند که به طور بنیادی مستقل است و به طور نظام‌مند و تحلیلی به «بررسی آن دسته از عمل‌های سیاسی می‌پردازد که هدف آن‌ها معطوف به وضعیت زندگی افراد است؛ یعنی موقعیت اقتصادی و اجتماعی گروه‌های ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه را در نظر دارد و... در پی دستیابی به هدف‌های اجتماعی (نظیر امنیت اجتماعی، صلح اجتماعی و عدالت اجتماعی) و مقابله با خطرهایی است که حیات انسانی را تهدید می‌کند» (ایسینگ، ۱۳۷۸: ۱۰۸). او به کاربستن شناخت و آگاهی درباره ضرورت، مقدمات، امکانات، هزینه‌ها و آثار و مسائل و اقدامات سیاست‌گذاری اجتماعی را از شروط اولیه این حوزه می‌داند و بر این باور است که سیاست‌گذاری اجتماعی باید در «هدف‌ها، اصول به کار رفته و ابزارهای مورد استفاده براساس ارزش‌های بنیادی، هدف‌ها و اصول اساسی نظام اقتصادی و اجتماعی جهت‌گیری شده باشد» (همان منبع: ۱۲۱). در عرصه عملی، سیاست‌گذاری اجتماعی دامنه گسترده‌ای از اقدامات جبرانی و توسعه‌ای را شامل می‌شود. برخی نظریه‌پردازان، سیاست‌گذاری اجتماعی را ابزاری سیاستی برای جبران پیامدهای منفی ناشی از سیاست‌های اقتصادی می‌دانند. به عنوان مثال،



کهیل (۱۳۸۷) سیاست‌گذاری اجتماعی را ابزاری می‌داند که دولت‌ها از راه آن کمترین سطح حمایت از مردم را فراهم می‌کنند و شکل اصلی سیاست‌های دولتی در دنیای توسعه‌یافته پس از جنگ جهانی دوم بوده است. حفاظت شهروندان در برابر مخاطره‌ها و تأمین برابری اجتماعی، ارتقاء برابری فرصت‌ها برای افراد، برابری عاملان و گروه‌های ذینفع و انسجام اجتماعی برای منافع همه‌جانبه جامعه (دنی و هان، ۲۰۰۸)، تنظیم قوانین و ایجاد سازمان‌ها و ساختارهایی برای حفظ روابط حمایتی و متقابل، و انسجام اجتماعی (جوردن، ۲۰۱۰) از دیگر اهدافی است که برای سیاست‌گذاری اجتماعی تعیین شده است.

بالداک (۱۹۹۰)، هدف سیاست‌گذاری اجتماعی را کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی می‌داند. نخست به این دلیل که نابرابری و رفاه انسانی یک مسئله اخلاقی است. چون به لحاظ اخلاقی، وجود شکاف بزرگ در جامعه میان فقیر و غنی قابل دفاع و توجیه نیست. دوم اینکه، نابرابری و رفاه انسانی به این دلیل در سیاست‌گذاری اجتماعی مهم هستند که به طور مستقیم بر شهروندی تأثیر می‌گذارند؛ زیرا انسان‌های محروم، امکان استفاده از حقوق شهروندی خود را ندارند. بنابراین حتی در جوامعی که حق سیاسی به رسمیت شناخته شده است، رفاه محدود و فقر، عملاً دسترسی افراد را از مشارکت در نهادهای اصلی دموکراتیک کاهش می‌دهد. بنابراین در سطح ملی نابرابری به حقوق شهروندی افراد لطمه وارد می‌کند. ازاین‌رو، اهمیتی که سیاست‌گذاری اجتماعی به کاهش نابرابری، بهبود و رفاه انسانی می‌دهد نتیجه یک نگرانی اخلاقی و ارزشی است. میزان این اهمیت بسته به میزان تأثیرگذاری جنبش‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری اجتماعی را در محور برنامه‌های سیاسی قرار داده است. براین اساس «سیاست‌گذاری اجتماعی با هدف برآورده کردن نیازهای اساسی انسانی که لازمه اقداماتی در راه کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی است به سیاست‌های آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال و تأمین اجتماعی توجه خاص دارد» (برادشو، ۱۹۷۲: ۶۴۰). به نظر فیتزپتریک (۱۳۸۱) مضمون اصلی سیاست‌گذاری اجتماعی تأکید آگاهانه بر تحول اجتماعی است. او سیاست‌گذاری اجتماعی را مظهر فنون متضاد مجزاسازی مفاهیم منتج به برابری و پیوندزنی مسائل مختلف اقتصادی و سیاسی با گسترش برابری و آزادی می‌داند. در راستای نقش سیاست‌گذاری اجتماعی در تحول اجتماعی، واکر (۱۹۹۲) بر این

باور است که سیاست گذاری اجتماعی بر استفاده از گروه های اجتماعی تأثیرگذار بر توزیع منابع، جایگاه، و قدرت بین افراد و گروه ها در جامعه دلالت دارد. گوف نیز سیاست گذاری اجتماعی را کنش عامدانه ای در حوزه عمومی می داند که در راستای هدف های رفاه اجتماعی جهت دهی شده است و عدالت، نیازهای انسانی، قابلیت ها، پیشرفت، مشارکت فعال، انصاف، و... را مدنظر دارد. سیاست گذاری اجتماعی دامنه وسیعی از ابزارها را در بخش های مختلف به کار می گیرد و براساس دامنه وسیعی از کنشگران درون حوزه عمومی صورت بندی و اجرا می شود. بدین معنا که زمینه سیاست گذاری اجتماعی محدود به دولت نیست، بلکه می تواند به سطوح پایین منطقه ای و محلی و انجمن هایی که به عنوان حوزه عمومی شناخته می شوند، و همچنین به سطوح بالای کنشگران فراملی و جهانی بسط یابد (گوف، ۲۰۰۴: ۲۲).

### سیاست گذاری اجتماعی در حوزه آسیب های اجتماعی در ایران (بعد از انقلاب اسلامی) در اسناد و قوانین بالادستی

اولین گام اساسی کشور بعد از انقلاب اسلامی ایران در حوزه سیاست گذاری اجتماعی تصویب قانون اساسی بوده که یکی از اسناد مهم در حوزه سیاست گذاری اجتماعی است که محور اصلی بسیاری از سیاست گذاری ها و تصمیم گیری های دیگر در تمام عرصه ها از جمله امور اجتماعی است. در برخی از اصول این قانون به طور مستقیم و غیر مستقیم به نکاتی اشاره شده که با آسیب های اجتماعی ارتباط دارند. از جمله آنجا که در اصل دهم به موضوع تحکیم خانواده اشاره می کند: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استقرار روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». اهمیت نقش خانواده و ثبات آن در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و حمایت از افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی و تربیت نسل مسئولیت پذیر و جامعه پذیر بر کسی پوشیده نیست. همچنین نظر به اهمیت حمایت روانی - اجتماعی و مادی از خانواده هایی که در شرایطی خاص قرار می گیرند و یا کودکانی که بنا به دلایل متعدد هر دو والد یا یکی از آنها را از دست می دهند و آسیب پذیری بیشتر این افراد، این حمایت ها می تواند زمینه ارتقاء کیفیت زندگی آنان را فراهم کرده و



در بروز آسیب‌های اجتماعی در این افراد تاثیرگذار باشد که در اصل بیست و یکم قانون اساسی به این مهم توجه شده است. در اصل بیست و نهم این قانون به موضوعی توجه شده که بسیار مهم قلمداد می‌شود و آن فراگیر شدن نظام تامین اجتماعی در کشور برای آحاد مردم و به ویژه افراد دارای نیازها و شرایط خاص می‌باشد؛ از جمله این شرایط می‌توان به حمایت مادی و معنوی از افراد نیازمند، بیکار و بی سرپرست اشاره کرد. بدون شک فقر و نداشتن سرپرست به ویژه سرپرست موثر و بیکاری از عوامل موثر در گرایش افراد به آسیب‌های اجتماعی و ارتکاب جرایم می‌باشند.

نظر به اهمیت ارتباط جرایم و آسیب‌های اجتماعی به بخشی دیگر از این قانون اشاره می‌شود که بر پیشگیری از جرم تاکید و تصریح شده است. با توجه به رویکرد چند نهادی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرایم توجه به این موضوع در قانون اساسی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین دلیل در «جزء پنجم اصل یکصد و پنجاه و ششم» قوه قضاییه موظف به «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» شده است.

همچنین در سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴ که سند راهبردی برنامه ریزی و سیاست گذاری کشور خواهد بود بگونه‌ای به این موضوع اشاراتی شده است، از جمله در مضمون اول سند اشاره شده است: جامعه ایران در بیست سال آینده جامعه‌ای توسعه یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی و متکی بر اصول اخلاق و ارزش‌های اسلامی، و انقلابی با تاکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی می‌باشد. در مضمون چهارم نیز جامعه ایران را در بیست ساله آینده جامعه‌ای است برخوردار از سلامت، رفاه، تامین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر فساد و تبعیض معرفی کرده است.

در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) فقط به موضوع اعتیاد و مفاسد اجتماعی در بند ۱۹-۳ به شرح زیر اشاره شده است: «بسیج کلیه امکانات دستگاههای اجرایی ذیربط در جهت ریشه کنی اعتیاد و مبارزه با مفاسد اجتماعی»؛ در متن احکام قانون برنامه نیز هیچ حکمی در

حوزه آسیب‌های اجتماعی به تصویب نرسیده است. این در حالی است که در خط مشی‌ها بر آسیب‌های اجتماعی تاکید شده بود.

در سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه به موضوع آسیب‌های اجتماعی اشاره نشده است ولی در خط مشی‌های برنامه در برخی از بندها اشاره‌هایی شده است که می‌تواند با حوزه آسیب‌های اجتماعی ارتباط داشته باشد. از جمله آنها می‌توان به بند ۴: گسترش آموزش‌های مستقیم در زمینه‌های اخلاقی، بند ۶: پرورش روحیه نظم و انضباط و همبستگی اجتماعی اشاره کرد. علاوه بر موارد فوق در بند ۲ بخش سوم خط مشی‌های برنامه دوم هم اشاره‌ای شده است که می‌تواند در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی باشد: "ترویج رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی و مبارزه با ترویج الگوهای ناهنجار رفتاری ناشی از تراوش فرهنگی بیگانه". گرچه در احکام قانونی مصوب برنامه دوم همچون برنامه اول توسعه هیچ حکم قانونی در زمینه آسیب‌های اجتماعی تصویب نشده است که نشان می‌دهد در دو برنامه اول و دوم سیاست‌گذاران کشور غفلت جدی در زمینه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی داشتند.

در سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه در بخش‌هایی به موضوع آسیب‌های اجتماعی به طور مستقیم و غیر مستقیم اشاره شده است. در فصل ۲ (فرهنگی) بیشتر با هدف کمک به پیشگیری سطح اول (اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی) در دو بند چنین آمده است:

" ۱۷- اعتلاء و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، تحکیم فکری و علمی ارزش‌های انقلاب اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه.

۲۰- جهت‌دهی رسانه‌ها به خصوص صدا و سیما به سمت سالم‌سازی فضای عمومی و رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی "

گرچه در این بندها به موضوع آسیب‌های اجتماعی اشاره مستقیم نشده است ولی برخی از مولفه‌ها از قبیل عمق بخشیدن به بصیرت دینی، مقابله با تهاجم فرهنگی و یا رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی می‌تواند در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تاثیر گذار باشد.

در فصل ۳ (اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی) به عنوان فصل تخصصی مرتبط با موضوع آسیب‌های اجتماعی به طور مستقیم به موضوع آسیب‌های اجتماعی





نپرداخته است. ولی از مفاد برخی از بند ها می توان در این حوزه بهره گرفت؛ از جمله:

" ۲۵- تقویت نهاد خانواده .

۲۷- اهتمام به نظم، قانون گرایی و مبارزه با فساد. "

در بندهای فوق این سیاست ها مولفه های از قبیل تقویت نهاد خانواده وقانون گرایی و مبارزه با فساد می تواند در راستای پیشگیری از آسیب های اجتماعی موثر واقع شوند. در احکام این قانون هم از موضوع آسیب های اجتماعی غفلت شده و تنها در یک بند از ماده ۳۸ این قانون به این موضوع اشاره شده است: "پیشگیری از بروز آسیب های اجتماعی و معلولیت های جسمی و روانی برای آحاد جامعه؛" این در حالی بود که آسیب های اجتماعی در این سال ها روند صعودی داشته است و انتظار می رفت که غفلت های دو برنامه قبل در این برنامه جبران شود. در برنامه چهارم، توجه به موضوع آسیب های اجتماعی به نسبت سه برنامه قبلی بیشتر شده بود. در بخش امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی، امنیتی چنین آمده است: تقویت نهاد خانواده، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن، و آسیب های اجتماعی آنان.

## توسعه نظم و امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله موثر با جرائم و مفسد اجتماعی

در این بخش مولفه های مرتبط با حوزه آسیب های اجتماعی بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است. مولفه هایی از قبیل: پیشگیری از آسیب های اجتماعی، توسعه نظم و مقابله با جرایم و مفسد اجتماعی از این دسته هستند. در بخش امور فرهنگی، علمی و فناوری هم برخی از مولفه ها از قبیل: گسترش معرفت دینی (نقش دین در پیشگیری از آسیب های اجتماعی)، تقویت فضایل اخلاقی (از نشانه های ضعف این فضیلت گسترش آسیب های اجتماعی است)، بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی نشان از توجه بیشتر به این موضوع دارد. با نگاهی کوتاه به مولفه های سیاست ها و خطی مشی های برنامه توسعه می توان اشاره کرد که در سیاست های برنامه چهارم آسیب های اجتماعی بیشتر از برنامه های قبلی مورد توجه قرار گرفته است.

فصل هشتم قانون برنامه چهارم، در زمینه ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی



بود که به طور مستقیم به آسیب‌های اجتماعی در تمامی سطوح توجه شده است. در ماده ۹۷ این قانون آمده است: دولت مکلف است، به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کنترل کاهش آسیب‌های اجتماعی، مشتمل بر محورهای ذیل اقدام نماید:

**الف:** ارتقای سطح بهداشت روان، گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، تقویت بنیان خانواده و توانمندسازی افراد و گروه‌های در معرض آسیب.

**ب:** بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی.

**ج:** شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه شهرها و تمرکز بخشیدن حمایت‌های اجتماعی، خدمات بهداشتی - درمانی، مددکاری و مشاوره اجتماعی و حقوقی و برنامه‌های اشتغال حمایت شده با اعمال راهبرد همکاری بین‌بخشی و سامانه مدیریت آسیب‌های اجتماعی در مناطق یاد شده.

**د:** پیشگیری اولیه از بروز آسیب‌های اجتماعی از طریق: اصلاح برنامه‌های درسی دوره آموزش عمومی و پیش‌بینی آموزش‌های اجتماعی و ارتقای مهارت‌های زندگی.

**هـ:** خدمات رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمانهای غیر دولتی.

**و:** بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی و فراهم نمودن زمینه بازگشت آنها به جامعه.

**ز:** تهیه طرح ملی مبارزه با موادمخدر و روانگردان بر اساس محورهای ذیل:

۱. پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن با استفاده از تمامی امکانات و توانمندی‌های ملی.

۲. دراولویت قراردادن استراتژی کاهش آسیب و خطر، کاردرمانی، آموزش مهارت‌های زندگی سالم، روان‌درمانی، درمان اجتماعی مدار معتادان و بهره‌گیری از سایر یافته‌های علمی و تجارب جهانی در اقدام‌ها و برنامه‌ریزی‌های عملی.

۳. جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به داروهای شیمیایی و صنعتی.

۴. جلوگیری از هرگونه تطهیر عواید ناشی از فعالیت‌های مجرمانه مواد مخدر و روانگردان‌ها.

۵. به کار گرفتن تمام امکانات و توانمندی‌های ملی برای مقابله با حمل و نقل و ترانزیت مواد مخدر و همچنین عرضه و فروش آن در سراسر کشور.

۶. تقویت نقش مردم و سازمانهای غیر دولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد.

تاملی بر مفاد این ماده نشان می دهد که موضوع آسیب های اجتماعی در برنامه چهارم توسعه به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. توجه به سطوح مختلف پیشگیری از آسیب های اجتماعی (پیشگیری سطح اول: اطلاع رسانی و آگاه سازی، پیشگیری سطح دوم: مداخله تخصصی و به موقع، پیشگیری سطح سوم: بازتوانی و بازگشت به جامعه)، ارتقاء شاخص های سلامت روانی اجتماعی، توجه به آموزش مهارت های زندگی، توسعه خدمات مددکاری اجتماعی، توجه به نقش و مشارکت مردم و سازمان های غیر دولتی، استفاده از ظرفیت آموزش و پرورش در پیشگیری از آسیب های اجتماعی، توجه به سکوتگاه های غیر رسمی و شناسایی و مداخله به موقع در این مناطق از طریق توسعه برنامه های بهداشتی و اجتماعی (نه رویکرد تخریب مناطق یا نگاه صرف کالبدی)، تسهیل دسترسی افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی به خدمات تخصصی، توجه به ارتقاء نشاط و شادابی اجتماعی، درونی کردن ارزش های دینی و هنجارهای اجتماعی، توجه خاص تر به موضوع مبارزه با مواد مخدر و روانگردان ها، پیشگیری، درمان، کاهش آسیب، مبارزه همه جانبه، بهره گیری از ظرفیت مردم و سازمان های غیر دولتی در این حوزه اشاره کرد. با هدف ایجاد هماهنگی بیشتر و پرهیز از فعالیت های سلیقه ای مقرر شد «طرح جامع کنترل کاهش آسیب های اجتماعی» و «طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان» نوشته شود که خود اقدامی جدید در حوزه آسیب های اجتماعی بود.

در سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه نیز در ارتباط با آسیب های اجتماعی به مواردی اشاره شده است: " بند ۱۲ - تقویت نهاد خانواده، بند ۱۳ - تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی های آنان، بند ۱۹ - تاکید بر رویکرد انسان سالم و سلامت همه جانبه، ۲-۱۹ - ارتقاء شاخص های سلامت روحی، بند ۲۰ - ارتقاء امنیت اجتماعی :

۱- ۲۰- مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روانگردان و اهتمام به اجرای سیاستهای

کلی مبارزه با مواد مخدر.

۲- ۲۰- سامان بخشی مناطق حاشیه نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن.

۳- ۲۰- استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیشگیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی.

در بخش امور اقتصادی هم به آسیب‌های اجتماعی تاکید شده است:  
بند ب) گسترش عدالت اجتماعی با:

۵-۳۵- توسعه نظام‌های پیشگیری از آسیب‌های فردی و اجتماعی.

به نسبت سیاست‌های ابلاغی چهار برنامه قبلی می‌توان گفت که در سیاست‌های ابلاغی برنامه پنجم بیش از گذشته به موضوع آسیب‌های اجتماعی توجه شده است که امیدواری را برای توجه بیش از پیش در احکام برنامه هم ایجاد کرده بود. در احکام این برنامه به اندازه توجهی که در سیاست‌های کلی صورت گرفته شده بود به موضوع آسیب‌های اجتماعی توجه نشده بود و در چند ماده به حوزه آسیب‌های اجتماعی اشاره شده که به شرح زیر می‌باشد:

ماده ۴۳: به منظور ساماندهی و اعتباربخشی مراکز مشاوره متناسب با فرهنگ اسلامی - ایرانی و با تاکید بر تسهیل ازدواج جوانان و تحکیم بنیان خانواده، تاسیس مراکز و ارائه هرگونه خدمات مشاوره‌ای روان‌شناختی - اجتماعی نیازمند اخذ مجوز براساس آیین نامه مصوب هیئت وزیران است.

در ماده ۲۰۷ برنامه چنین آمده است: دولت مجاز است به پیشنهاد ستاد مبارزه با مواد مخدر براساس سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان‌ها و با مشارکت نهادهای ذیربط، لایحه جامع مبارزه همه جانبه با مواد مخدر، روانگردان‌ها و پیش سازها را تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

در ماده ۲۲۷ هم به تدوین سندی اشاره شده است: دولت نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان» در روابط اجتماعی، با مشارکت و برنامه ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضاییه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی (کارو امور اجتماعی سابق) در طول سال‌های برنامه اقدام قانونی به عمل آورد. در ماده ۴۳ بیشتر بر اخذ مجوز تاکید شده است. در ماده ۲۰۷ به تدوین لایحه



جامع مبارزه همه جانبه با مواد مخدر تاکید شده که هیچ گاه نوشته نشده است. در ماده ۲۲۷ هم به سندی اشاره شده که فقط نوشته شده است و به تصویب نرسیده است. در واقع هیچ حکمی که عملیاتی شده باشد برای حوزه آسیب های اجتماعی وجود ندارد. این در حالی است که در سیاست های کلی بیشترین توجه صورت گرفته بود.

## امنیت اجتماعی

امنیت از مقولات بسیار مهم و رایج حیات بشری از گذشته های دور تا امروز بوده و امروزه نه تنها اهمیت آن کاسته نشده، بلکه هر روز بر اهمیت آن نیز افزوده شده و ابعاد گسترده تری یافته است. سابقه امنیت را می توان در ادیان الهی و غیر الهی جستجو کرد. نخستین نظریه های امنیتی بر بنیان گفتمان سلبی پدید آمده اند که ویژگی بارز آنها، تعریف امنیت به وضعیت مبتنی بر نبود تهدید است. در این تلقی امنیت ماهیتی سخت اقرارانه و اصولاً نظامی دارد. انحصار امنیت در حوزه نظامی گری به دلیل غفلت از ابعاد جدید آن به تضعیف درک ما از امنیت و راهبردهای امنیتی در عمل منجر می شود. ظهور تحلیلگران فراسنتی در واکنش به همین ملاحظه بود. فراسنتی ها امنیت را چند بعدی می دانند که مهمترین آن ها، بعد اجتماعی است. نتیجه توسعه این رویکرد، طرح مفهوم امنیت اجتماعی است. (بیات، ۱۳۹۳، ۵۲۹) پس می توان گفت که امنیت اجتماعی یکی از مهمترین ابعاد تشکیل دهنده امنیت هستند که می توانند در تحقق امنیت ملی تاثیرگذار باشد و چنانچه در جامعه امنیت اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و از اهمیت بیشتری برخوردار باشد می توان امیدوار بود که امنیت ملی پایدارتر و کم هزینه تر خواهد بود و شاهد بالندگی بیشتر کشور خواهیم بود. حتی برخی امنیت اجتماعی را بدیلی برای امنیت ملی قلمداد می کنند. در واقع این توجه نشان می دهد که رویکردهای ایجابی برای تحقق امنیت بیش از رویکردهای سلبی می تواند تاثیرگذار باشد. البته این به منزله نفی مطلق کارکردهای رویکردهای سلبی برای امنیت نیست. در نتیجه می توان تاکید کرد که تقویت رویکرد ایجابی برای تحقق امنیت اجتماعی بسیار مهم است و امنیت با شکل اجتماعی آن کامل تر می شود چرا که در این رویکرد همانگونه که «ماندل» اشاره دارد دیگر تنها حفظ زندگی مهم نیست بلکه حفظ راه و روش زندگی اهمیت می یابد (ماندل، ۱۳۷۹، ۷۷). امنیت اجتماعی

که در ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مولفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد بیانگر پیوند و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ میان امنیت دولت و جامعه است. در تحلیل بعد اجتماعی امنیت ملی هدف، حفظ ارزش‌های دیرپای اجتماعی است که گروه‌های مختلف در جامعه متولی آن هستند. در واقع سطح دیگری از منافع عمومی بین فرد و دولت وارد صحنه می‌شود که قائم به گروه‌های اجتماعی است که هر یک کلیت منحصر به فردی را تشکیل می‌دهند.

اصطلاح امنیت اجتماعی را اولین بار در سال ۱۹۹۱ «بوزان» به کاربرد و مسایل آن را شامل تهدیداتی دانست که هویت جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد (بوزان، ۱۳۷۸، ۳۴). در واقع ایشان در حوزه سیاسی از واژه امنیت اجتماعی (امنیت جامعه‌وی) استفاده کرد و آن را به منزله یکی از ابعاد پنج گانه امنیت در نظر گرفت. او جامعه را زمینه‌ای برای امنیت اجتماعی می‌داند که قادر است امنیت دولت را تهدید نماید. «ال ویور» هم دومین نظریه پرداز است که در زمینه امنیت اجتماعی دیدگاه خود را بیان کرده است. او امنیت اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند که: امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا اجتماعی مربوط است.

یکی دیگر از نظریه پردازان در حوزه امنیت اجتماعی «جرج مولر» است که اشکال امنیت را مطرح می‌کند و آن را در سه شکل «ملی»، «اجتماعی» و «انسانی» در نظر می‌گیرد و معتقد است امنیت اجتماعی مسئول تامین امنیت برای گروه‌های اجتماعی جامعه است. برخی از نظریه پردازان از جمله «رابرت ماندل» هم معتقد است که ابهام در مرزهای مفهومی امنیت اجتماعی موجب شده تا تحلیل گران از برخورد مجزا با این بعد از امنیت غفلت کرده و آن را بخشی از امنیت نظامی یا اقتصادی قلمداد کنند. گرچه ایشان از ابعاد فرهنگی و سیاسی امنیت صحبت می‌کنند ولی این ابعاد از امنیت همان امنیت اجتماعی است.

برخی امنیت اجتماعی را بر گرفته از نظم اجتماعی می‌دانند که آرامش را به جامعه و زندگی مردم می‌دهد و معتقدند که امنیت اجتماعی یعنی این که همه اعضای یک جامعه از هنجارها و ارزش‌ها و قوانینی تبعیت می‌کنند که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند (نوید نیا، ۱۳۸۲، ۱۰) شاید بتوان این گونه گفت که پایبندی افراد به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مورد پذیرش در هر جامعه‌ای یکی از



عوامل اساسی در تضمین امنیت اجتماعی می باشد. یکی از آثار این پابندی کاهش آسیب های اجتماعی است که شیوع و بروز آنها در هر جامعه ای می تواند تهدیدی برای امنیت جامعه و آرامش مردم باشد. گرچه باید پذیرفت که امنیت اجتماعی مفهومی سیال و پیچیده دارد و به همین دلیل ممکن است هر نهادی با توجه به حوزه های ماموریتی شان تعریف خاصی برای خود قائل باشند و گاهی اوقات آن را موضوعی وسیع و گاهی اوقات هم به صورت بخشی در نظر می گیرند. شاید به همین دلیل نتوان به یک تعریف جامع از امنیت اجتماعی که همه صاحب نظران و دستگاه های مرتبط روی آن اجماع داشته باشند دست یافت ولی می توان پذیرفت که علیرغم همه این دیدگاه ها و ابهامات و پیچیدگی های که این مفهوم دارد، یکی از مهمترین مولفه ها در همه این دیدگاه ها «نبود تهدید علیه هویت جامعه و صیانت از آن» اجماع وجود دارد.

اگر بخواهیم در معنای مضیق امنیت اجتماعی را در نظر بگیریم همانگونه که «آنتونی گیدنز» تاکید دارد عبارت است از صیانت از هنجارهای جامعه در برابر آثار مستقیم و تبعی و فردی و اجتماعی رفتارهای مغایر با هنجارها و ارزش های اجتماعی جامعه که به صورت جرم، بزه، آسیب اجتماعی و کج رفتاری در جامعه بروز داده می شود. هنجارهای اجتماعی هر جامعه همان معیارهای رفتاری پذیرفته شده هستند که جامعه انتظار دارد اعضایش مطابق آن ها رفتار کنند (بیات، ۱۳۹۳، ۵۳۴).

همان گونه که اشاره شده بود، جرایم و آسیب های اجتماعی از جمله مولفه هایی هستند که بروز و شیوع آنها می تواند تهدیدی برای امنیت در هر جامعه ای باشد. از منظر جرم شناسی، جرم معلول کج کارکردی اجتماعی و مشتمل بر سه رکن اساسی شامل «قربانیان»، «مجرمان و بزه کاران» و «فضای محیطی جرم» می باشد. مطالعه امنیت اجتماعی در این سطح ناظر بر تاثیرگذاری بر علل جرم و آسیب اجتماعی است، دراین رویکرد امنیت اجتماعی ایجاب می کند زمینه ها و فرصت های بروز آسیب اجتماعی و جرم در جامعه از بین رفته یا به عبارت بهتر محدود شود. راهبرد ها، برنامه ها و اقدامات در این حوزه بر پیشگیری، اصلاح، درمان و بازتوانی اجتماعی معطوف بوده و نه تنها خود را در برابر جرم بلکه در برابر آسیب های اجتماعی مانند طلاق، اعتیاد به مواد مخدر و روانگردان ها، خشونت های خانگی (همسرآزاری، کودک آزاری و...)، خودکشی، فرار، مفاسد اخلاقی، و غیره مسئول

دانسته و حداقل نقشی که در این زمینه ایفا می کند مسئله شناسی و هشداردهی به سایر نهادها و بخش های اجتماعی مرتبط است (بیات، ۱۳۹۳، ۵۳۰ به نقل از منظمی تبار، ۱۹، ۱۳۸۴).

## روش شناسی تحقیق

پژوهش در هر موضوع، به هر شکلی و در هر سطحی که انجام شود، تلاشی منسجم و نظام مند در جهت توسعه دانش موجود درباره موضوع هایی است که با آنها سروکار داریم. پژوهش کوششی است برای یافتن بهترین راه حل های ممکن در جهت حل مشکلات موجود در عرصه های مختلف زندگی. همچنین، پژوهش فعالیتی منسجم برای رسیدن به شناختی روشن تر از مفاهیم پیرامونمان است. با توجه به اینکه این تحقیق موضوع محور است روش مورد استفاده «روش کیفی» انتخاب شده است که یافته های آن از طریق داده های آماری و یا کمی حاصل نمی شود بلکه تلاشی است جهت توصیف غیر کمی از موقعیت ها و درک و تبیین پدیده های پیچیده اجتماعی از داده های کیفی استفاده می کند. و برای جمع آوری اطلاعات از دلفی استفاده شده است.

دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصصان در مورد یک موضوع یا یک سؤال است و یا رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از راندهای پرسشنامه ای با حفظ گمنامی پاسخ دهندگان، و بازخورد نظرات به اعضای پانل است؛ درخواست قضاوت های حرفه ای از متخصصین همگن و مستقل در مورد یک موضوع ویژه با استفاده از پرسشنامه ها است که تا زمان دستیابی به اجماع نظرات مداوم تکرار می شود. روش مطالعه چند مرحله ای برای گردآوری نظرات در موارد ذهنی بودن موضوع و استفاده از پاسخ های نوشتاری بجای گرد هم آوردن یک گروه متخصص است، و هدف اجماع با امکان اظهار نظر آزادانه و تجدید نظر عقاید با تخمین های عددی به دست می آید (مردوخی، ۱۳۹۲؛ نقیب السادات، ۱۳۹۱).

اجزای اصلی دلفی شامل تکرار یا بازگویی پرسشنامه، متخصصین، بازخورد کنترل شده، گمنامی، آنالیز نتایج، اجماع، زمان و تیم هماهنگ کننده است که در زیر هر یک به اختصار شرح داده می شود:

زمان: اجرای دلفی زمان بر است. زمان های مورد نیاز دلفی شامل زمان



هماهنگ کردن (سازمان دهی، درخواست و دریافت اطلاعات)، فکرکردن، نوشتن و ارسال به متخصصین است. در این تحقیق پرسشنامه ها و نتایج راندها طی نامه ای برای متخصصین ارسال شده و از آنها درخواست شد تا پاسخ های خود را ارسال نمایند که در مجموع حدود ۴۷ هفته طول کشید.

همچنین مطالعه اسناد هم در این تحقیق مورداستفاده قرار گرفته است. پژوهش اسنادی به منزله روشی تام و تکمیلی برای تقویت سایر روش های کیفی در پژوهش های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است. پژوهشگر داده های پژوهش خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع آوری می کند. بخش قابل توجهی از پژوهش های نظری در جامعه شناسی، خواسته یا ناخواسته، از روش اسنادی بهره می برند.

### یافته های تحقیق

در این تحقیق یافته ها در چهار مرحله به دست آمده است. در مرحله اول که پیش راند بود ابتدا با یک سوال باز از نخبگان خواسته شده بود تا سیاست های مناسب برای کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی در ایران را بنویسند که در نهایت ۵۲ سیاست پیشنهاد شد که پس از تحلیل محتوا در نهایت در مرحله اول ۴۸ سیاست برای اعلام نظر برای آنان ارسال شد. پس از تحلیل اطلاعات این مرحله، برای مرحله دوم ۳۳ سیاست برای نخبگان ارسال و از آنها خواسته شده بود که نظرات خود را اعلام کنند. پس از تحلیل اطلاعات این مرحله در نهایت در مرحله سوم ۳۲ سیاست تعیین شد. با توجه به مشورتی که از اساتید گرفته شد با استفاده از روش بودجه ریزی از تعداد ۱۰ نفر از نخبگان خواسته شد که به هر یک از این ۳۲ سیاست نمره دهند که در مجموع نمرات همه سیاست ها، بیش از ۱۰۰ نباشد تا بتوان اولویت بندی سیاست ها را انجام داد که یافته ها نشان داد که اولویت سیاست ها به نسبت یافته های مرحله سوم تغییر کمی داشته است.

تاملی بر یافته های تحقیق گویای این نکته است که علیرغم اقدامات انجام شده در کشور در حوزه سیاست گذاری های مرتبط با آسیب های اجتماعی نیاز به داشتن سیاست های اجتماعی مشخص در سطح کلان در جامعه بیش از پیش ضروری است (به جز در حوزه مواد مخدر که سیاست های کلی نظام سال ۱۳۸۵ ابلاغ شده است). نظر به اهمیت این موضوع و دست یابی به سیاست های

اجتماعی کشور در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی مهم‌ترین سوال تحقیق هم در این ارتباط بود. تدوین این سیاست‌ها کمک می‌کند تا نقشه راه برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با هدف بهتر زیستن مردم و تحقق امنیت اجتماعی ترسیم شود، از سیاست‌گذاری‌های اجتماعی سلیقه‌ای جلوگیری شود. با توجه به این که در تمام اسناد سیاسی موجود کشور در حوزه آسیب‌های اجتماعی سیاست منسجمی وجود ندارد که خلاء جدی در کشور محسوب می‌شود، تدوین سیاست‌های اجتماعی مشخص در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های از طریق: استفاده از همه ظرفیت‌های کشور، هماهنگی‌های بین بخشی و فرابخشی در حوزه آسیب‌های اجتماعی که فقدان یا ضعف آن یکی از چالش‌های جدی کشور محسوب می‌شود، مدیریت بهینه منابع، تعیین اولویت‌های سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در این حوزه، افزایش فراگیری، جامعیت و کفایت برنامه‌های اجرایی ناشی از سیاست‌گذاری‌های اجتماعی انجام شده، تقسیم کار بهتری بین دستگاه‌های مرتبط در سطوح مختلف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی صورت گیرد. گرچه این اعتقاد وجود دارد که برای تدوین سیاست‌های کلی نظام در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و با توجه به ماهیت موضوع و به منظور اثربخش‌تر بودن سیاست‌گذاری‌های انجام شده و فرایند تدوین آنها ضروری است تا به الزاماتی توجه شود.

الزامات تدوین سیاست‌های اجتماعی در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌تواند متعدد و متنوع باشد که به برخی از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

- تاکید بر مبانی فرهنگی کشور
- بهره‌گیری از دانش و تجارب جهانی برای سیاست‌گذاری اجتماعی در حوزه کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (با رعایت شرایط کشور - بومی سازی).
- رصد مستمر شرایط اجتماعی کشور و به‌طور خاص وضعیت آسیب‌های اجتماعی و سلامت اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های اجتماعی مناسب. (مبتنی بر شواهد بودن).
- قابلیت اجرا داشتن سیاست‌ها (تدوین برنامه‌های اجرایی متناسب با سیاست‌های اجتماعی اتخاذ شده در حوزه آسیب‌های اجتماعی).
- استفاده از روش‌های علمی در تدوین سیاست‌ها.



■ استفاده حداکثری از ظرفیت های موجود (دولتی (قوای مختلف) و غیر دولتی) مرتبط برای سیاست گذاری اجتماعی در این حوزه.

■ بررسی تاثیرات سیاست گذاری های انجام شده در سایر حوزه از جمله حوزه های اقتصادی و سیاسی بر حوزه آسیب های اجتماعی.

■ توجه به رویکرد سلامت اجتماعی در سیاست گذاری های اجتماعی در حوزه آسیب های اجتماعی.

■ توجه به آینده نگری اجتماعی برای سیاست گذاری اجتماعی.

■ در اختیار داشتن داده ها و اطلاعات مورد نیاز برای سیاست گذاری.

■ در نظر داشتن امکانات کشور و تعیین انتظارات متناسب با توان جامعه.

■ توجه به سطوح مختلف پیشگیری از آسیب های اجتماعی در سیاست گذاری های مرتبط با آسیب های اجتماعی و...

با توجه به موارد فوق در نهایت سیاست های پیشنهادی که نخبگان روی آنها اجماع کرده بودند به شرح زیر نهایی و جمع بندی شده است:

۱. رصد علمی و مستمر آسیب های اجتماعی با توجه به شاخص هایی همچون: نوع، شیوع و شدت.

۲. اتخاذ و تقویت رویکردهای اجتماع محور در برنامه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی.

۳. توجه ویژه به مسائل اقتصادی از طرق: الف) فراهم کردن زمینه های سرمایه گذاری داخلی و خارجی، ب) اصلاح مکانیسم های مالیاتی خصوصاً مالیات بر درآمد و دارایی، ج) فراهم کردن زمینه های کاهش سود واسطه گری و دلالی و افزایش سود حاصل از تولید، د) آموزش کارآفرینی و مهارت های کارآفرینانه، ح) تقویت بخش حمایتی.

۴. بازنگری در قوانین و مقررات مرتبط به منظور استفاده حداکثری از راهکارهای قضازدایی و حقوق ترمیمی در خصوص آسیب های اجتماعی.

۵. ایجاد و تقویت رویکردهای ایجابی در برنامه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی.

۶. بسط و گسترش روحیه نشاط و شادابی و امیدواری در سطح جامعه.

۷. فراهم کردن زمینه همکاری بین بخشی دستگاه های اجرایی و زمینه مشارکت اجتماعی نهادهای عمومی و سازمان های غیردولتی به همراه سایر اقشار جامعه

- برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
۸. تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی در سطح جامعه.
  ۹. انجام مطالعات آینده پژوهی مبتنی بر روند پژوهی در زمینه بررسی ساختارها و ریشه‌ها، آثار و پیامدها و همچنین ابعاد و راهبردهای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی.
  ۱۰. شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت‌های شهری، روستایی و سکونتگاه‌های غیررسمی و برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت آنها.
  ۱۱. بازنگری در ساختارهای موجود دستگاه‌های اجرایی مرتبط با کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با هدف حذف ساختارهای موازی و کارآمدی بیشتر (تجمیع ساختارهای موجود) و تامین منابع لازم.
  ۱۲. سنجش مستمر سلامت اجتماعی و اتخاذ مکانیسم‌هایی برای افزایش آن.
  ۱۳. الزام به تهیه پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی برای طرح‌ها و برنامه‌ها در حوزه‌های عمرانی و اقتصادی.
  ۱۴. استفاده از ظرفیت‌های مراکز و موسسات آموزشی از جمله: مهدهای کودک، مراکز پیش‌دبستانی، مدارس و دانشگاه‌ها جهت اجرای برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
  ۱۵. تربیت نیروی انسانی متخصص و به‌کارگیری آنان در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آسیب‌های اجتماعی.
  ۱۶. استفاده از ظرفیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و افزایش حساسیت مردم نسبت به آسیب‌های اجتماعی.
  ۱۷. ترویج سبک زندگی سلامت محور.
  ۱۸. تقویت هویت‌های جمعی (دینی، ملی و قومی) به منظور افزایش انسجام و سرمایه اجتماعی.
  ۱۹. بهبود سطح بهداشت و سلامت روانی، اجتماعی و معنوی در جامعه.
  ۲۰. ارائه حمایت‌های اجتماعی به افراد در معرض آسیب از طریق تقویت همکاری‌های بین‌بخشی.
  ۲۱. ارائه حمایت‌های اجتماعی به افراد آسیب‌دیده اجتماعی از طریق تقویت همکاری‌های بین‌بخشی.



۲۲. فراهم کردن زمینه های بازگشت آسیب دیدگان (بهبودیافته) اجتماعی به جامعه (ترویج ادغام اجتماعی و جلوگیری از طرد اجتماعی).

۲۳. اتخاذ ساز و کارهای مناسب جهت افزایش مسئولیت پذیری و مطالبه گری اجتماعی در خصوص پیشگیری از آسیب های اجتماعی.

۲۴. توجه به مسئولیت اجتماعی شرکت ها و موسسات و سازمان ها به منظور توسعه خدمات پیشگیری از آسیب های اجتماعی در سطوح مختلف.

۲۵. توجه به محیط های کاری به منظور کاهش فشار روانی تشدید کننده آسیب های اجتماعی.

۲۶. استفاده از ظرفیت رسانه های همگانی در زمینه اطلاع رسانی و آگاه سازی در حوزه کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی.

۲۷. استفاده از ظرفیت های مدیریت شهری و روستایی برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی

۲۸. ارتقاء نظم و احساس امنیت اجتماعی.

۲۹. فراهم کردن تسهیلات و فرصت های متنوع برای گذران اوقات فراغت آحاد جامعه به ویژه نوجوانان و جوانان.

۳۰. اتخاذ تدابیر لازم برای حمایت های اجتماعی در زمینه آموزش های فنی و حرفه ای، اشتغال و توانمندسازی حقوقی، مالی، روانی و اجتماعی برای افراد نیازمند به بازتوانی و خانواده های آنان.

۳۱. تعامل و همکاری بین المللی در جهت تبادل اطلاعات و انتقال تجارب سایر کشورها در زمینه برنامه های کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی.

۳۲. الزام سازمان های بیمه کننده به پوشش خدمات (پیشگیری، مداخله ای و حمایتی) مرتبط با حوزه آسیب های اجتماعی.

آنچه که به عنوان سیاست های پیشنهادی برای کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی در بالا آورده شده است نظرات صاحب نظرانی است که در روش دلفی انتخاب شده بودند که ممکن است صاحب نظران دیگر نقدهایی هم بر این سیاست ها داشته باشد یا بتوانند تکمیل کنند.



یکی از موضوعاتی که در کشور نگرانی زیادی ایجاد کرده، آسیب‌های اجتماعی هستند که می‌توانند بر کیفیت زندگی مردم کاهش امنیت اجتماعی تاثیر منفی بگذارند و افزایش آن در هر جامعه، نشانه‌ای از کاهش شاخص‌های سلامت اجتماعی و سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. این درحالی است که یکی از وظایف دولت‌ها فراهم‌سازی بسترهای مناسب برای ارتقاء مستمر کیفیت زندگی آحاد مردم است. مردم انتظار دارند دولت‌ها با اتخاذ تدابیر و سیاست‌گذاری‌های مناسب بتوانند زمینه تحقق این امنیت اجتماعی را بیش از پیش فراهم کنند. وجود نیروی انسانی سالم، کارآمد، قانون‌مدار، جامعه‌پذیر (اجتماعی شده)، مسئولیت‌پذیر و... به عنوان یکی از مهمترین منابع توسعه در هر کشوری نیز لازمه تحقق عملی این انتظار (وظیفه دولت) است که درگیر شدن آنان در چرخه آسیب‌های اجتماعی موجب می‌شود این منبع مهم نتواند نه تنها در چرخه توسعه و سلامت اجتماعی اثربخش باشد بلکه هزینه‌های دولت را در ایجاد امنیت اجتماعی و حتی امنیت ملی و کنترل آنها و انجام اقدامات تأمینی و تربیتی افزایش دهد. گسترش آسیب‌های اجتماعی در کشور و یا هر جامعه دیگری به این معنی است که قوانین، اخلاق و عرف آن جامعه مورد توجه قرار نمی‌گیرد که این خود می‌تواند نشانه‌ای از تهدید جامعه و ناکارآمدی دولت‌ها در ایفای وظیفه‌شان برای تحقق جامعه‌ای ایمن از منظر اجتماعی باشد.

در چنین شرایطی یکی از وظایف دولت‌ها سیاست‌گذاری‌های مناسب در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اجتماعی است که در ابتدا این کار مستلزم پذیرش آسیب‌های اجتماعی به عنوان یک واقعیت اجتماعی (واقعیت تلخ) است. در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسب برای حوزه اجتماعی به ویژه آسیب‌های اجتماعی با رویکرد سلامت اجتماعی و با هدف تحقق امنیت اجتماعی پایدار می‌توان امیدوار بود که موضوع مورد توجه سیاست‌گذاران کلان کشور قرار گرفته و این پذیرش کمک می‌کند تا از برخوردهای سلیقه‌ای و حتی گاهی اوقات متناقض در حوزه آسیب‌های اجتماعی کاسته شود و می‌توان ادعا کرد که نقشه راه کشور برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ترسیم شود که در این صورت امکان اعمال مدیریت اجتماعی کارآمد و استفاده بهینه از تمامی منابع و ظرفیت‌های موجود برای



تحقق امنیت اجتماعی بیش از پیش فراهم خواهد شد. این انتظار از دولت در هر جامعه‌ای از جمله ایران بیش از وظایف اصلی آنها نیست. چرا که مسئولیت مدیریت تامین شرایط مناسب و امنیت همه جانبه از جمله امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی در کشور با دولت است و این انتظاری بیش از وظایف دولت نیست که آسیب‌های اجتماعی انجام این وظیفه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. سیاست‌گذاری‌های همه جانبه دولت از جمله در حوزه اجتماعی از جمله اقداماتی است که دولت می‌تواند در این حوزه انجام دهد تا جامعه‌ای سالم‌تر از منظر آسیب‌های اجتماعی داشته باشیم. در واقع سیاست‌گذاری اجتماعی همانطور که «ایسینگ» هم به آن اشاره کرده، برای مقابله با خطرات (تهدیدات) زندگی انسان ضروری است. وقتی در جامعه‌ای خطری احساس می‌شود که آسیب‌های اجتماعی هم از جمله این خطرات (تهدیدها) است انتظار می‌رود دولت به صورت عامدانه در این حوزه مداخله کند تا شرایط جامعه را از حالت خطر (تهدید) خارج کند یا شرایط را بگونه‌ای کنترل کند تا وضعیت جامعه از منظر آسیب‌های اجتماعی مخاطره‌آمیزتر نشود، امنیت اجتماعی در جامعه نهادینه شود و در نتیجه این سیاست‌گذاری‌های همه جانبه و از جمله سیاست‌گذاری اجتماعی بتواند زمینه را برای «به زیستی اجتماعی» مردم فراهم کند که در واقع می‌توان گفت که سیاست‌گذاری‌های دولت فقط محدود به رفع یا کنترل خطرات و آسیب‌های اجتماعی نیست بلکه رویکرد پیشگیرانه از جمله پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء شاخص‌های سلامت و امنیت اجتماعی را نیز باید در بر گیرد. در چنین شرایطی می‌توان گفت که دولت برای «به زیستن اجتماعی» مردم نقشه راه مناسب دارد و سیاست‌گذاری‌های مناسبی انجام داده است.

با این امید که شاهد روزی باشیم که در کشور عزیزمان با ارتقاء شاخص‌های امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی کیفیت زندگی مردم هر روز بهتر از دیروز باشد و مردم کمتری درگیر آسیب اجتماعی باشند.



## منابع

- ایسینگ، اوتمار (۱۳۷۸) سیاست اقتصادی عمومی، ترجمه هادی صمدی.
- امیدی، رضا (۱۳۹۳) تحلیل سیاست گذاری اجتماعی در ایران (مطالعه قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی) تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بیات، بهرام و همکاران (۱۳۹۳) مقاله: امنیت اجتماعی در برنامه ششم توسعه به نقل از موسوی چلک، حسن و حسینی، سید سعیدغ امور اجتماعی در برنامه ششم توسعه: تهران: انجمن مددکاران اجتماعی ایران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولت ها، هراس، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبری.
- خوش فر، غلامرضا؛ محمدی، آرزو؛ محمدزاده، فاطمه؛ محمدی، راضیه و اکبرزاده، فاطمه. (۱۳۹۴) امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر قائن). مجله مطالعات اجتماعی ایران. ۹ (۱): صص ۷۱-۱۰۲.
- رفیعی، حسن (۱۳۸۸) تدوین شاخص ترکیبی سلامت اجتماعی در ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. طرح تحقیقاتی.
- سام آرام، عزت الله (۱۳۸۸) بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تاکید بر رهیافت پلیس جامعه محور. نشریه انتظام اجتماعی ۱ (۱).
- سند چشم انداز ایران ۱۴۰۴.
- سعیدی، علی اصغر (۱۳۹۰) سیاستهای اجتماعی. در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۸). موسسه رحمان. بولتن داخلی.
- غفاری، غلامرضا و حبیب پور گتایی، کرم (۱۳۹۳) سیاست اجتماعی؛ بنیانهای مفهومی و نظری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا و عزیزی مهر (۱۳۹۱) رویکرد نهادی و تحلیل سیاستهای رفاهی در ایران معاصر. مطالعات جامعه شناختی. ۱۹ (۱) صص: ۲۳-۵۶.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- کهیل، مایکل (۱۳۸۷) محیط زیست و سیاست اجتماعی، ترجمه حسین حاتمی نژاد و سهراب امیریان، تهران: دانشگاه تهران.
- گلیکن، مورلی (۱۳۹۲) مددکاری اجتماعی در قرن ۲۱. ترجمه عباسعلی یزدانی و الهام محمدی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹) چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مردوخی بایزید (۱۳۹۲) روش شناسی آینده نگری، تهران: نشر نی.
- موسوی چلک، حسن، حسینی، سید سعید (۱۳۹۳) امور اجتماعی در برنامه ششم توسعه، تهران: انجمن مددکاران اجتماعی ایران.
- وصالی، سعید و امیدی، رضا (۱۳۹۳) سیاست گذاری اجتماعی: زمینه ها و رویکردها. فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۱۹ (۱) صص ۱۷۹-۲۰۶.
- نقیب السادات، سید رضا (۱۳۹۱) رمش های تحقیق در ارتباطات ۱، تهران: نشر علم.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) امنیت اجتماعی روایتی جامعه (گزارش پژوهش)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Adams, Robert (2002) social policy for social work. London: Palgrave.
- ALCOCK, Pete, Erskine, Angus, May, MARGARET (2002) the Blackwell dictionary of social policy, Oxford: BLACKWELL.
- Baldok, John, Mitton, Lavinia, Manning, Nick and Vickerstaff, Sarah (1999) Social policy, Oxford: Oxford University press.
- Blakemore, Ken & Griggs Edwin (2007) Social Policy. New York: Open University Press.
- Bradshaw, Jonathan (1972) the concept of social need, new society.
- Dani, Hann, Arjan (2008) inclusive state: Social policy and structural inequalities, Washington DC: the world bank.
- Fischer, Frank; Miller, Gerald J. & Sidney, Mara S. (2007) Handbook of public policy analysis : theory, politics, and methods. London: Taylor & Francis.
- Gough, Ian (2004) social policy regimes in the developing world, in a

## Archive of SID

hsnd book of comparative social policy, edited by Patricia Kennett, Cheltenham: Edward Elgar.

- Jordan Bill (2010) whats worng with social policy and how to fix,Cambridge,Polity.
- Vaez-Mahdavi Zeinab , Vaez-Mahdavi Mohammad Reza , Araei Mohammad Mehdi (2013) The Impact of Social Policies on Human Development Following the 1979 Islamic Revolution in Iran. International Journal of Healthcare, Insurance and Equity 2013; Vol. 1, No 2

